



## درس خارج فقه نظام سیاسی آیت الله اراکی رحمته الله

عنوان درس:	فقه نظام سیاسی	جلسه ۴۰	تاریخ درس:	۱۳۹۹/۱۰/۲۰
عنوان فرعی ۱	اجرای عدل؛ اولین وظیفه رهبری			
عنوان فرعی ۲	عدل سیاسی			
عنوان فرعی ۳	شرایط عزل اشخاص از ولایت			
مقرر:	حجت الاسلام والمسلمین زحمتکش			

بحث ما در عدل سیاسی بود که به ضوابط عزل و نصب مدیران رسیدیم و گفتیم اولین مطلب از مطالب مربوط به عدل سیاسی، ضوابط عزل و نصب مدیران است که مفصلاً بحث کردیم و گفتیم مدیریت یا همان ولایت بر دو قسم تفویض و تنفیذ است و شرایط هر یک را بیان کردیم؛ بحث امروز در ضوابط عزل مدیران و اشخاص از ولایت است.

در ولایت تنفیذ همانطوری که شرایط نصب برای آن دو شرط بود \_ توانمندی بر انجام مأموریت و امانتداری در اجرای آن \_؛ شرایط عزل در ولایت تنفیذ نیز، فقدان یکی از این دو شرط است؛ البته شرط سومی هم برای عزل وجود دارد که آن شرایط ویژه است یعنی گاهی می شود که شرایط ویژه ای ایجاب می کند که یک مدیر عزل شود که به آن نیز اشاره خواهیم کرد.

بنابراین عزل مدیر [تنفیذی] در شرایط عادی، به سبب سلب یکی یا هر دوی این شرایط است و با فقدان یکی از این دو شرط و به طریق اولی با فقدان هر دو شرط، شخص باید عزل شود.

نمونه عزل یک مأمور به ولایت تنفیذ، به دلیل سلب قدرت یا عدم وجود قدرت، عزل ابوبکر و عمر از فرماندهی لشکر در جریان جنگ خیبر است. حضرت رسول صلی الله علیه و آله در جنگ خیبر، ولایت تنفیذ فتح خیبر را ابتدا به ابوبکر دادند و او رفت و برگشت و خود اظهار ناتوانی کرد و همچنین در روز بدر این مأموریت را رسول اکرم صلی الله علیه و آله به عمر واگذار کرد و او نیز رفت و کاری از پیش نبرد و برگشت و اظهار ناتوانی کرد؛ هر دو را رسول اکرم صلی الله علیه و آله از این مأموریت برکنار کرد. این نمونه ای از عزل یک والی تنفیذ به سبب اظهار ناتوانی در اجرا است.

سوال یکی از شاگردان: آیا رسول اکرم صلی الله علیه و آله می دانستند که اینها توان دارند یا خیر؟

بله، رسول خدا ﷺ می دانستند که آنها می توانند انجام دهند و کاری که امیرالمؤمنین علیه السلام انجام داد را آنها نیز می توانستند انجام دهند؛ یعنی فتح خیبر کاری بود که اگر آنها به دستور رسول خدا ﷺ عمل می کردند و حمله می کردند [نیز می توانستند پیروز شوند] و کاری که امیرالمؤمنین علیه السلام انجام داد، کار اعجازی که نبوده؛ بلکه نصرت الهی بوده و آنها هم اگر توکل بر خدا می کردند و می رفتند و حمله می کردند خدا به آنها نصرت می داد و آنها می توانستند درب خیبر را باز کنند، حال یا به این شکل یا به اشکال دیگر. عصمت رسول اکرم ﷺ اقتضا می کند که ایشان می دانست که آنها می توانند چنین کاری کنند که به آنها این مسئولیت را سپرد و دلیل اینکه آنها می توانستند، کاری است که امیرالمؤمنین علیه السلام انجام داد، زیرا ایشان معجزه نکردند \_ معجزه کار خلاف عادی است که در مقام اثبات یک دعوا و در مقام تحدی باشد؛ مثلاً نبی ادعای نبوت می کند و امام ادعای امامت می کند، اینجا جای اعجاز است که خدای متعال به دست ولی خود یک کار خارق العاده را اجرا می کند تا معلوم شود این ولی از سوی خدای متعال مورد تصدیق و تأیید است \_ اما در اینجا که چنین نبوده بلکه یک جنگ عادی بوده و رسول اکرم ﷺ می دانسته که اگر بروند و حمله کنند، پیروز می شوند؛ لکن آنها اقدامی انجام ندادند و رفتند پشت دژ و دژ را تماشا کردند و اقدام و حمله ای صورت ندادند.

این نمونه ای از عزل ولایت تنفیذ به سبب اظهار ناتوانی است و همین اظهار ناتوانی برای عزل کفایت می کند و مراد از شرط ناتوانی، شرط ناتوانی واقعی نیست بلکه همین اظهار ناتوانی کافی است. نمونه فقدان شرط امانتداری که از قرائن بر می آید که این نیز عزل به دنبال آن بوده، جریانی است که در منابع شیعه و سنی آمده است که ما از منابع اهل سنت این روایت را نقل می کنیم که به چند طریق این روایت را نقل کرده اند. بخاری به سندش از ابی حمید ساعدی روایت می کند:

«اسْتَعْمَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا مِنْ بَنِي أَسَدٍ يُقَالُ لَهُ ابْنُ الْأُتَيْبَةِ عَلَى صَدَقَةٍ، فَأَمَّا قَدِمَ قَالَ: هَذَا الْكُفْرُ وَهَذَا الْهُدْيُ لِي، فَقَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَصَعِدَ الْمِنْبَرَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: مَا بَالُ الْعَامِلِ بَعَثَهُ فَيَأْتِي يَقُولُ: هَذَا لَكَ وَهَذَا لِي، فَهَلَّا جَلَسَ فِي بَيْتِ أَبِيهِ وَأُمِّهِ، فَيَنْظُرُ أَيُّهُمَا لَهُ أَمْرٌ لَا؟ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَا يَأْتِي بِشَيْءٍ إِلَّا جَاءَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَحْمِلُهُ عَلَى رَقَبَتِهِ، إِنْ كَانَ بَعِيرًا لَهُ رُغَاءٌ، أَوْ بَقَرَةً لَهَا خَوَارٌ، أَوْ شَاةً تَبْعُرُ. ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ حَتَّى رَأَيْنَا عُقْرَتِي إِبْطِيهِ - أَلَا هَلْ بَلَغْتُ؟ - ثَلَاثًا.»<sup>۱</sup>

پیامبر صلی الله علیه وسلم شخصی از طایفه ی «آزد»، به نام «ابن اُتیبه» را برای جمع آوری زکات فرستاد و چون به مدینه بازگشت، گفت: اینها، (اموال زکات و) مالِ شماست و این را هم به من هدیه داده اند. پیامبر صلی الله علیه وسلم بالای منبر رفت و پس از حمد و ثنای خداوند فرمود: «اما بعد؛ من یکی از

شما را بر کاری می‌گمارم که خدا به من سپرده است؛ او (پس از انجام مأموریش) می‌آید و می‌گوید: این، از آن شماسست و این را به من هدیه داده‌اند. پس اگر واقعاً راست می‌گویند، چرا در خانه پدر و مادرش نمی‌نشینند تا هدیه‌اش به او برسد؟ به خدا سوگند که هرکس چیزی را به ناحق بخورد، روز قیامت خدا را در حالی ملاقات می‌کند که آن را بر دوش خویش حمل می‌کند؛ که شتر یا گاو یا گوسفندی باشد که بانگ می‌زند». سپس دستانش را به اندازه‌ای بالا گرفت که سفیدی زیر بغلش دیده شد و فرمود: «خداوندا آیا تبلیغ کردم [و دستور تو را بیان کردم]؟»

از قرینه مناسبت حکم و موضوع معلوم است که حضرت دیگر چنین مأموریتی را به او نداده است و این نمونه عزل به سبب عدم امانتداری در یک مأموریت تنفیذی است.

علاوه بر این دو مورد که در حالت عادی موجب عزل مأمور تنفیذی می‌شود، موارد ویژه‌ای نیز وجود دارد که متعدد است که نمونه برتر آن، چیزی است که در حق ابوبکر نسبت به ابلاغ سوره براءت وارد شده است که رسول اکرم ﷺ ابتدا به ابوبکر مأموریت دادند که برود و سوره براءت را ابلاغ کند و بعد جبرئیل نازل شد و به حضرت رسول ﷺ ابلاغ کرد:

«لَا يُؤَدِّي عَنْكَ إِلَّا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ مِنْكَ»<sup>۱</sup>

یکی از موارد ویژه عزل این است که مقصود ولی برتر در عزل، اظهار مطلبی باشد؛ که در اینجا اظهار این مطلب بود که «آنکس که از رسول خداست، علی بن ابی طالب است».

در نهج البلاغه آمده است که امیرالمومنین علیه السلام شخصی را به سوی یکی از والیان خودش فرستاد و فرمود این مأموریت را از تو می‌گیرم، و بعد حضرت می‌فرماید این کار برای این نیست که تو ناتوانی یا امانت دار نیستی؛ بلکه تو را برای کار مهم دیگری می‌خواهم و می‌خواهم که در جنگ صفین با من باشی. این گرچه در والی تفویض وارد شده لکن در والی تنفیذ نیز جاری است و این یکی از موارد ویژه عزل است که نوعی عزل است لکن نوعی جابه‌جایی است.

بنابراین یکی از موارد ویژه عزل، در جایی است که ولی برتر می‌خواهد از آن شخص برای مأموریت دیگری استفاده کند و او را به کار دیگری بگمارد.